

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

چون غیب را نمی دانیم، تعقل و فکر عمیق به کار است!

(ترجمه)

سعید ابن مسیب از ابوهریره رضی الله عنه روایت نموده که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«لَوْ تَعَلَّمُونَ مَا أَعْلَمُ لَضَحِكْتُمْ قَلِيلاً وَلَبَكَيْتُمْ كَثِيراً» (رواه الترمذي وقال: هذا حديث صحيح).

ترجمه: اگر آن چه من می دانم، شما می دانستید کم تر می خندیدید و بیشتر گریه می کردید.

### توضیح حدیث

مراد از علم دانستن آن چه که در آن نافرمانی الله شود و یقین داشتن به عذابی که در وقت نزع، در قبر، و در روز قیامت واقع می شود می باشد. مناسبت کثرت گریه و قلت خنده در این حالات واضح است؛ هم چنان واضح است که مقصد این حدیث تخویف می باشد. در حدیث طبرانی از ابن عمر روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم به سوی مسجد روان بود ناگاه نظرش به قومی افتید که سخن می گویند و خنده می کنند؛ پس فرمود: قسم است به ذاتی که نفس من در قدرت اوست و سپس همین حدیث را بیان کرد.

از حسن بصری روایت است: "هرکس بداند که مرگ به وی آمدنی ست و قیامت وعده گاه اوست و ایستاد شدن به حضور الله سبحانه و تعالی مشهد اوست، بجا و مناسب است که وی در دنیا زیادتر محزون باشد."

کرمانی فرموده است: در این حدیث صنعت بدیع به کار رفته است، مقابل خنده، گریه و مقابل قلت، کثرت واقع شده که هر یک از اینها باهم مطابقت دارد. شکی نیست که موضوع بسیار خطرناک است؛ لذا هول و هراس روز قیامت بس بزرگ و عظیم است و مناسب است که به تفصیل به آن پرداخته شود، در حالی که امروز مسلمانان در هم چو امور بسیار کم می اندیشند و هیچ شکی نیست که مسلمانان امروز زیادتر به چیزهای مصروف اند که هیچ عاقلی نباید به چنین چیزها با این قدر تعمق بیندیشد، از آن جمله می توان مصروف شدن به مسابقات فوتبال و افراد کم شخصیتی که مثل ماده شتران سرکش در میدان های بازی این طرف و آن طرف می دوند و بقیه مردم از آن لذت برده و اوقات گران بهای خویش را صرف نموده و به نام های آن بازی گران افتخار می کنند و با کنترل، نظارت و تربیه این ورزش ها و استفاده از لباس های اغیار و خلاف شریعت اسلامی و سرودن ترانه های تیم های ورزشی و تربیه ممثلین و هنرمندان بی پروا به دین را تشویق و تکریم نموده؛ بدون این که به ارزش های زندگی دنیا و حساب آخرت خود بیندیشند.

پس اگر مسلمانان از امور غیب و آخرت آگاه می بودند، چنان چه رسول شان صلی الله علیه وسلم آگاه شده بود؛ یقیناً کم می خندیدند و بسیار می گریستند. اگر مسلمانان از شأن غیب و آخرت می دانستند هرگز حیات خود را وقف امور دنیا نمی کردند و هرگز در این دنیا مصروف به بنای قصرهای مجلل و سوار بر موترهای مدل بالا و فاخره... نمی شدند.

اگر مسلمانان از شأن امور غیب و آخرت می‌دانستند، هرگز موافق به ازدواج‌های پر مصرف و جمع اموال نمی‌شدند، اگر از شأن امور غیب و آخرت می‌دانستند، به حال خویش تأثر و افسوس می‌کردند و به گریه اطفال مسلمین و زنان‌شان و پیرمردان‌شان دل می‌سوختانند.

اگر مسلمانان از شأن امور غیب و آخرت می‌دانستند، بخاطر نجات امت خود از کام ازدهای غرب کافر که شب‌وروز تلاش دارند تا امت را غرق در منجلاب فکری و فرهنگی نمایند، می‌کوشیدند. اگر مسلمانان از شأن امور غیب و آخرت می‌دانستند، هرگز از همکاری با عاملینی که بخاطر اعاده مجدد و عظمت اسلام یعنی اعاده خلافت بار دوم بر منهج نبوت باز نمی‌ایستادند.

در نهایت باید گفت که از علم غیب کسی آگاه شده نمی‌تواند؛ اما تعقل و فکر عمیق بکار است بر این که نجات مسلمانان در اعاده خلافت اسلامی (بر منهج نبوت) نهفته است، از همین لحاظ علماء قضیه اعاده خلافت را قضیه سرنوشت‌ساز می‌گویند. بار الها! امت را با اعاده خلافتی که در آن عزت و وقار امت اسلامی حفظ گردد، متحد و متفق بگردان! اللهم آمین آمین!